



## قهرمانان هرگز نمی‌میرند

در اولین روزهای سال جدید میلادی، در زمانی که انسان‌ها با امیدهایی تازه در حال لذت بردن از لحظات شاد این ایام بودند سردار قاسم سلیمانی یکی از فرزندان سلحشور، قهرمان، متواضع و با درایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همراه جمعی از هم‌زمانش در نتیجه اقدام جنایتکارانه و ناجوانمردانه آمریکا به شهادت‌رسید.

قاسم سلیمانی به شهادت رسید. شخصیتی که به‌عنوان مدافع حقوق بشر و قهرمانی شجاع با اراده‌ای خلل‌ناپذیر در مسیر استقرار صلح و عدالت مبارزه کرد. ایشان به همان میزان که شجاع و سلحشور بودند سردارمجاهدی مهربان و انسان دوست بودند که زندگی خود را صرف دفاع و حراست‌از صلح و تمامیت ارضی میهن خود کردند. درمیدان نبرد یا در زمان صلح هرگونه خطر را کوچک شمرد. از سال۲۸۱ میلادی که سوریه با ارتش شجاع و وفادارش به مبارزه با نیروهای تروریستی برخاست، جمهوری اسلامی به عنوان کشوری دوست و برادر همراه برخی دیگر از دولت‌ها و سازمان‌های خیرخواه به کمک آنها شتافت. سردار قاسم سلیمانی در شهر حلب به همراه هم‌زمانش به دفاع از شهروندان بی‌گناه و به ویژه ساکنان مسیحی و ارمنی این مناطق پرداخت. در آن زمان که جوانان ارمنی که در کنار نیروهای دولتی در حال مبارزه بودند، فرصت شناخت و جهاد در کنار سردار قاسم سلیمانی را یافتند. این جوانان امروز از سردار سلیمانی به نیکی یاد کرده و به یاد دارند که او چگونه با روحیه شجاع، مهارت‌های رزمی به‌ویژه درایت خود موفق به دفع حملات شده و سپس موجبات آزادسازی شهر حلب از اشغال نیروهای تروریستی و مخالف دولت را فراهم ساخت. جوانان ارمنی حلب در صفحات فیسبوک خود با افسوس و غم از شهادت ناجوانمردانه سردار قاسم سلیمانی یاد کرده و اقدام جنایت‌کارانه‌ای را که منجر به شهادت ایشان و هم‌زمانشان شد، محکوم می‌کنند. یکی از سربازان ارمنی در صفحه فیسبوک خود نوشته است، چگونه می‌توان از شهادت سردار قاسم سلیمانی غمگین نبود در حالی که وی در حلب و خارج از آن و در ارتفاعات لاذقیه همچون شیر به مبارزه با تروریست‌ها پرداخت و نیروهای ارتشی و مردم بی‌گناه را که در دام آنها افتاده بوده، رها ساخت. تاریخ‌گواه‌ان است‌که فرزندان شجاع و ایثارگر ضامن تداوم حیات ملت‌ها و کشورها هستند. ما به عنوان ملتی با تاریخ طولانی به از خودگذشتگی‌های پادشاهان، سرداران، حاکمان و عالمان روحانی خود مباهات می‌کنیم. کسانی که زندگی خود را فدای ارزش‌های روحانی و باورهای ملت خود کرده اندمیراث‌دار جوادانگی شده‌اند. جوادانه است‌کسی‌که با ایمان زندگی و تلاش کرده و حیات خود را وقف دفاع از حقوق میهن و مردمش می‌کند. حیات قهرمانانی که با چنین ایمانی زندگی و تلاش کرده‌اند ستونی استوار برای هستی بوده است. تاریخ گذشته و امروز ایران نیز گواه وجود چنین قهرمانان و شهیدایی است و سردار قاسم سلیمانی یکی از بزرگ ترین قهرمانان تاریخ معاصر است که با اخلاص تمام از جان خود سپری برای نجات هم‌زمانش در میدان جنگ ساخته و تبدیل به الگویی برای اطرافیان‌ش شد. سردار قاسم سلیمانی این چنین بود زیرا به عنوان يك مومن به این سخن قرآن ایمان داشت که می‌فرماید «کسانی را که در راه خدا کشته شدند مرده میندازید. آنها زنده بوده و از نعمات خداوند برخوردارند.» اندک است شمار سردارانی که شجاعت و دلیری را با اخلاص، تواضع و فروتنی و همچنین تعالیم دینی در هم آمیخته باشند. شهادت سردار قاسم سلیمانی به پرگی فراموش‌ناشدنی در تاریخ انقلاب اسلامی ایران و همچنین درسی زیبا و آموزنده برای نسل‌های آینده تبدیل خواهد شد. وی با شهادت جوادانه شد، زیرا مرگ شهدا به معنای جوادانگی آنهاست و شهدا با اخلاص ترین فرزندان يك ملت به‌شمار می‌آیند. چه‌پراحساس و آموزنده است واقعه‌ای که چندی پیش از آن مطلع شدم. چند ماه پیش از این در نشستى در ایروان که جوانانى از کشورهای مختلف و از جمله سوریه، لبنان و ایران نیز شرکت داشتند جوانان شهر حلب به دکتر کارن خاثرلی، نماینده ارمنه تهران و شمال در مجلس شورای اسلامی نزدیک شده واز او دربارهٔ سردار قاسم سلیمانی می‌پرسند. دکتر کارن خاثرلی پاسخ می‌دهد. او را از نزدیک زیارت نکرده‌ام اما وصف شجاعت و مهربانی او را بسیار شنیده‌ام. جوانان می‌گویند، از شما صمیمانه خواهش می‌کنیم در مراجعت به تهران از جانب ما روی ایشان را ببوسید و بگویید دلبان برایشان بسیار تنگ شده است و این که ایشان صخره‌ای بود که در تمام طول جنگ به آن اتکا کرده بودیم. در مراجعت به تهران نماینده ارمنه تهران و شمال به صورت ویژه به دیدار سردار رفته و خواسته جوانان این شهر حلب را اجابت کرده است. در این دیدار سردار نماینده ارمنه را در آغوش گرفته و باهیجان خاصی از آن دوران یاد می‌کند. آری، ده‌ها هزار نفر اکنون دلبتگ سردار هستند یاد و خاطره او را زنده نگه خواهند داشت، یاد و خاطره اشخاص نیکوکار قرین رحمت‌باد.

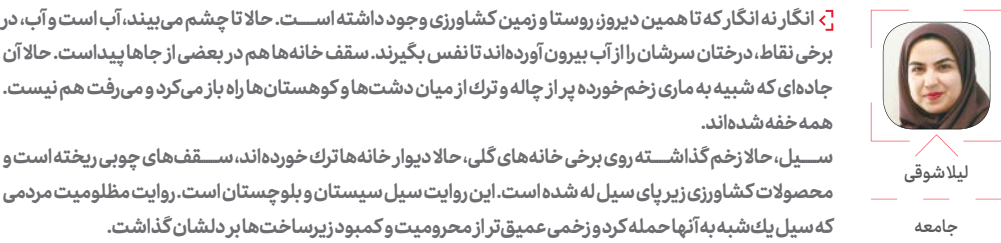


### احتمال شیوع نوع B ویروس آنفلوآنزا

محمدمهدی گویا، رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت با بیان این‌که نوع B ویروس آنفلوآنزا هنوز به حالت همه‌گیر درنیامده، گفت: اما این احتمال را می‌دهیم که طی هفته‌های آینده موارد بیماری افزایش یابد. وی افزود: نوع B این ویروس قدری خفیف‌تر بوده و مرگ و میر آن نیز کمتر است. در هفته گذشته نیز حدود ۵۰۰ مورد مشکوک به آنفلوآنزا را در سراسر کشور بررسی کردیم که از این تعداد ۲۴ مورد مربوط به ویروس نوع B بوده و در بیمارستان بستری و درمان شده‌اند./ ایسنا

## گفت‌وگو با تعدادی از سیل‌زدگان سیستان و بلوچستان

# دیو سیل در دیار رستم



## سیل مهمان شوم زوج جوان

**نوید جت - ۲۴ ساله - معلم - روستای عورکی**

نوید می‌گوید این ماجرای تلخ تا مدت‌ها در ذهنش خانه خواهد کرد. او که تازه دو ماه از شروع زندگی مشترکش می‌گذرد، روز ۲۱ دی را تا ابد به عنوان تاریخی نحس به یاد می‌سپارد. نوید حتی لحظه حادثه را هم به‌خاطر دارد؛ لحظه‌ای را که آب طغیان کرد و وارد خانه‌اش شد و حتی جهاز تازه عروسیش را از بین برد. نوید آن لحظه را به وضوح به یاد دارد: «هنوز آفتاب غروب نکرده بود که آب راه باز کرد و آمد داخل خانه.» نوید می‌گوید هم او و هم همسرش غافلگیر شدند و سریع خانه را ترک کردند. نوید تعریف می‌کند، آب تا نیم متر بالا آمد و تمام وسایل خانه را خراب کرد. موکت‌ها و فرش‌های نو رفتند زیر آب و وسایل برقی همه سوختند. شب که شد، همه پناه بردند به خانه همسایه‌ها. همسایه‌هایی که خانه‌شان مانند نوید نه در مکان‌های کم ارتفاع بلکه روی تپه ساخته شده بود. معلم جوان می‌گوید حالا چند شبی است که سربار همسایه‌ها شده‌اند و زندگی‌شان بند محبت هم‌روستایی‌هاست. خرابی وسایل خانه و جهیزه، اما تنها آسیب‌هایی نیست که به این تازه‌داماد وارد شده است؛ همه زمین‌های کشاورزی او هم زیر آب رفته است تا شغل دوم نوید هم تقریباً از بین

برود. زمین‌هایی که او ماه‌ها، زیر گرمای تابستان در آنها عرق ریخت، بیل زد و کار کرد تا موز، کنار، پیاز و گوجه بکارد؛ زمین‌هایی که حالا هیچ چیز از آنها باقی نمانده است. هرچند خسارت‌های مالی به او زیاد است، جت اما باز هم شاکر است: «به هیچ کدام از اعضای خانواده‌ام آسیب جانی وارد نشده است و برای همین هم باید شاکر باشیم.» نوید می‌گوید خانه بسیاری از هم‌روستایی‌هایش تخریب شده است. از ۲۸۰ خانواده‌ای که در روستای عورکی زندگی می‌کنند، تمام خانه‌های گلی که در پایین دست روستا و نه در تپه‌ها قرار دارند، تخریب شده است. نکته مهمی که نوید به آن اشاره می‌کند، بی‌برنامگی در کمک‌رسانی‌هاست. تا چند روز پیش که راه‌ها بسته بود، کسی نمی‌توانست وارد روستای آنها شود، اما حالا، يك روزی می‌شود که نیروهای مردمی وارد منطقه آنها شده‌اند. او توضیح می‌دهد: «مدیریت درستی در توزیع کمک‌رسانی‌ها وجود ندارد. در این‌مواقف باید از شوراییاری روستا کمک گرفته شود، نیروهای مردمی اما از آنها کمک نمی‌گیرند و اجازه دخالت به آنها را هم نمی‌دهند.» همین شده که بسیاری از کمک‌ها به افرادی می‌رسد که نیازی هم به کمک‌های مردمی ندارند.

## جاده آسفالت‌ه و سیل بند

**محمد نقش درخشیده - ۲۹ساله - معلم - پیرسهراب**

روز پنجشنبه بود که بعد از چند ماه بی‌بارانی، خداوند باران رحمتش را نثار منطقه دشتیاری کرد. باران رحمت الهی، چند روزی بی‌وقفه بارید تا این که روز شنبه، همه چیز تغییر کرد. پیرسهراب که نسبت به دیگر شهرها و روستاهایش در نقطه بالاتری قرار دارد، در محاصره باران و سیل قرار گرفت. راه‌های ارتباطی به‌طور کامل از بین رفت و این آب بود که دیده می‌شد. محمد نقش توضیح می‌دهد: منطقه پیر سهراب درواقع در ارتباط با سه نقطه سیل‌زده یعنی دشتیاری از چابهار، بنت از نیک‌شهر و زرآباد از کنارک است و با وجود محاصره شدن و در آب ماندن، مثلث ارتباطی با این سه منطقه هم به‌طور کامل از بین رفت. او توضیح می‌دهد: «منطقه پیر سهراب، آسیبی ندیده است، اما این روستاهای عورکی، ظهراب، ترکانی، دج‌ها، جنگار، رادوج، خوشمب، زیدان، چلیسر، اورعی، دلگان‌ها و سندها هستند که سیل به آنها آسیب رسانده است.» سیل هم خانه‌ها و هم زمین‌های کشاورزی و باغات این روستاها را به‌طور کل تخریب کرده است. به جز این، درخشیده توضیح می‌دهد دام‌های روستاییان هم در سیل ناپدید شده‌اند و برای افرادی که تنها منبع درآمدش، زمین‌های روستایی و دام‌هایش هستند،

## راه‌های در راه مانده

**شهین اربابی - ۵۰ساله - نیروی داوطلب - زرآباد**

خانم اربابی یکی از اهالی شهرهای جنوبی، استان سیستان و بلوچستان به حساب می‌آید. داستان او از ۱۶ سال پیش، بعد از زلزله بم شروع شد؛ از زمانی که به این نتیجه رسید باید در مناطق محروم حضور داشته باشد و بعد از آن هم حضور در مناطق محروم مانند سیستان و بلوچستان دغدغه اش شد. علاقه به بلوچستان باعث شد، بعد از این که خبر سیل بلوچستان، رسانه‌ای شد، از مشهد، سوار هواپیمایم بشود و برود به داد مردمی برسد که روزها و ماه‌ها با آنها وقت گذرانده است. از همان اول هم با منطقه زرآباد کارش را شروع کرد، منطقه‌ای که عشایر در آن زندگی می‌کنند. گیر افتادن در گل، راه و آب از پیش با افتاده‌ترین، اتفاقاتی بوده که در این چند روز او با آنها روبه‌رو بوده است. درست است که مردم در منطقه زرآباد، با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند، اما اربابی شرایط را در مناطق دیگر بحرانی‌تر می‌داند؛ «شرایط برای منطقه دشتیاری و بخش بنت نیک‌شهر از همه سخت‌تر است.

آن طور که او می‌گوید در روستاهای دور افتاده شرایط ناگوار

### حمایت ویژه از باغداران و کشاورزان گیلانی

شرکت مشارکتی بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) با خرید ۲۰ هزار تن از محصولات باغداران و کشاورزان گیلانی، از آنها حمایت کرد. فعالیت‌های این شرکت همچنین باعث ایجاد یکصد شغل مستقیم و ۴۰۰ فرصت شغلی فصلی در شهرستان کمتر توسعه یافته رودسر در استان گیلان شده است. تولیدات این شرکت شامل کنساتره پرتقال، پرک (ساکس) پرتقال و نارنگی و رب گوجه‌فرنگی است که در تولید آیمیه مورد استفاده قرار می‌گیرند. / جام جم دیلی



## از برخی مناطق خبر نداریم

**یوسف شیرانی - ۳۲ساله - فرهنگی - بنت**

یوسف تمام لحظه‌ها را یادش هست، مو به مو و لحظه به لحظه، حتی می‌تواند زمان، دقیقه و ثانیه را هم دقیق بگوید. می‌گوید بارندگی در بنت، شهرستان نیک‌شهر از پنجشنبه شروع شد و تا صبح یکشنبه ادامه پیدا کرد. شنبه ساعت ده صبح بود که آب، ارتباط تلفنی را قطع کرد. ساعت شش عصر هم برق شهر ۵۰۰۰ نفره قطع شد و شهر در خاموشی و بدون ارتباط با دیگر شهرها در محاصره سیل، یکه و تنها، شب را تا صبح گذراند. صبح یکشنبه اما هم برق و هم ارتباط تلفنی برقرار شد و در همین زمان بود که این معلم جوان می‌گوید همه فهمیدند بنت در بحران قرار دارد. این که دیگر شهرها بفهمند بنت در شرایط خوبی نیست، يك طرف و این که خود اهالی شهر متوجه شوند در چه بحرانی گیر کرده‌اند، يك طرف دیگر قضیه است. یوسف می‌گوید: «تازه آن زمان بود که فهمیدیم سیل چقدر شدید بوده است و بسیاری از افراد دچار مشکل شده‌اند.» یوسف توضیح می‌دهد خانه او در این سیل آسیب ندیده است، اما خانه‌هایی که در پایین دست رودخانه فصلی قرار دارند، همه تخریب شده‌اند. او دلیل تخریب خانه‌ها در این طور عنوان می‌کند: «این رودخانه سیل‌بند مناسبی ندارد.» و از سیل‌بند سنگی - توری که در سال ۸۸، ساختش شروع شده است، می‌گوید. از این که این سیل‌بند در مدت زمان ده سال، تنها ۵۰۰ مترش ساخته شده است و مناسب نیست. او توضیح می‌دهد: «با این جنس از سیل‌بند نمی‌توان جلوی آب را گرفت. سیل‌بند بتونی برای این رودخانه مناسب است.» او توضیح می‌دهد بعد از هر بار بارش شدید که رودخانه فصلی پر از آب می‌شود، طغیان و بعد سیل، مانند يك فیلم ناخوشایند، مدام بخش و بعد تکرار و دوباره تکرار می‌شود. این اما همه ماجرا نیست. راه‌ها در بنت، هنوز به‌طور کامل باز نشده است. به جز يك پل ارتباطی، همه پل‌ها تخریب شده‌اند، هرچند سیل در بخش‌هایی فروکش کرده است، اما در سبیلی که حالا نیمی از منطقه بنت نیک‌شهر را گرفتار خودش کرده است، روستاها و مناطقی هستند که هنوز خبری از آنها در دست نیست. ارتباطی که وجود ندارد و راه‌هایی که بسته شده‌اند، هیچ کدام از اهالی بنت، از دهستان‌های مهمدان، توتان و سفیدکوه خبر ندارند و نمی‌دانند چه به سر روستاها و اهالی که آنجا زندگی می‌کرده‌اند، آمده است.

## زیرساخت‌ها را تقویت کنید

**اسکندر رامش - ۳۳ساله - دهیار روستای لکوکج**



ساعت ۳ و نیم صبح روز یکشنبه بود که آب غریب و پایش را گذاشت توی روستای لکوکج. اسکندر اما می‌گوید همه مرده‌ای ده بیدار بودند و آماده. انگار منتظر بودند اگر دشمنی حمله کند، آنها مانند سربازان، آماده دفاع باشند. به خاطر همین است که به هیچ کسی آسیب نرسیده است. آب، تا یکی، دو ساعت می‌غرد، می‌تازد و خیلی زود تمام روستا را تسخیر می‌کند. اهالی ده هم تا ساعت هفت و هشت صبح صبر می‌کنند و بعد که خورشید بالا می‌آید و آفتاب همه جا را روشن می‌کند، زن‌ها و بچه‌ها را سوار ماشین‌های شاسی‌بلندشان می‌کنند و از درون آب که حالا آرام گرفته بود، می‌گذرند و به شهر نگور- که نزدیکی چابهار است- می‌روند، به خانه قوم و خویش. مرده‌ای ده اما برمی‌گردند به لکوکج تا خانه‌شان را از سیل پس بگیرند. یکی دو روز بعد که آب فروکش می‌کند، زن‌ها و بچه‌ها به روستا برمی‌گردند. این اما اولین بار نیست که در روستای لکوکج سیل می‌آید. به قول اسکندر، سیل در این روستا سابقه طولانی دارد. او از سیل سال ۸۴ می‌گوید که دو رودخانه رابج و کاجو با هم غریبند و بعد سبیلی آمد که او هنوز به یاد دارد. به خاطر همین است که همه اهالی این روستا، خانه‌های خود را روی گیاه می‌سازند تا سیل مهمان سرزده‌شان نشود. اسکندر البته توضیح می‌دهد سیل اخیر از سیل ۱۴ سال قبل، کم‌توان‌تر بود، چون هر دو رودخانه، با هم طغیان نکردند. درست است که اهالی روستا، هیچ آسیبی ندیده‌اند، اما خانه‌ها آسیب دیده‌است. آقای دهیار می‌گوید: «همه سرویس‌های بهداشتی خانه‌ها آسیب دیده و فاضلاب به درون روستا آمده است.» این اما تنها آسیب سیل به روستا نیست. زمین‌های کشاورزی همه تخریب شده است. رامش می‌گوید حتی هندوانه‌هایی که در باغچه خانه‌ها کاشته‌اند هم نابود شده است. يك خرابی، اما از همه بیشتر او را آزار می‌دهد؛ خرابی‌ای که با افسوس از آن یاد می‌کند. از تخریب، ۷۵۰۰ مترمربع جاده‌ای که تخریب شده است. مساحتی که تا همین چند ماه پیش خاکی بود و تمام زیرساخت‌هایش برای تبدیل شدن به يك جاده آسفالتی آماده شده و حالا سیل تخریب‌شان کرده است و دیگر اثری از آنها نیست؛ نکته‌ای که برای اهالی روستا خیلی نارحت‌کننده است، به خاطر همین است که دهیار روستای لکوکج می‌گوید: «ما هیچ وسیله امدادی نمی‌خواهیم. فقط دوست داریم زیرساخت‌ها درست شود.» این موضوع برای روستایی که ۷۰۰ متر از مسیر جاده‌اش، خاکی است، خیلی مهم‌تر از هر نیاز دیگر است.